

بررسی ارتباط میان هوش هیجانی و استرس شغلی با رفتار ایمنی صادرکنندگان مجوز کار در پالایشگاه نفت تهران در سال 1399
The Relationship between emotional intelligence and job stress with safety behavior among work permit Issuers in
one of the country's oil industries in 2020

عنوان اصلی

عنوان اصلی به زبان دیگر

نام نخستین پدیدآور : مجتبی دآوری
استاد راهنما : شهرام وثوقی
استاد مشاور : جمیله ابولقاسمی
استاد مشاور : حسین ابراهیمی
نام مرکز : دانشکده بهداشت
نوع مدرک : پایان نامه فارسی
شماره رکورد : 675468
شماره مدرک : ۳۱۳۰۰۸۰ پ
زبان مدرک : فارسی
زبان اثر اصلی : فارسی
سرشناسه : پایان نامه نویس دآوری ، مجتبی
صفحه شمار : ۵۷ص.
مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی : مهندسی بهداشت حرفه‌ای
تاریخ دفاع : ۱۳۹۹
دانشگاه/ دانشکده : علوم پزشکی ایران
هوش
Intelligence
تنش
Stress
ایمنی از حوادث
Safety
نفت
Petroleum

موضوع

شناسه افزوده

چکیده

•مقدمه: یکی از کاربردهای نظام مند تحقیق روان شناختی رفتار انسان، بررسی مسایل ایمنی است. با توجه به نقش هوش هیجانی در رفتار افراد، و پیشگیری از رفتار ناپایمن، این مطالعه با هدف بررسی ارتباط میان هوش هیجانی و استرس شغلی با رفتار ایمنی صادرکنندگان مجوز کار در پالایشگاه نفت تهران انجام گرفته است. روش کار: روش پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی – مقطعی می باشد و جامعه آماری صادرکنندگان مجوز کار (امضاء کنندگان) در واحد های عملیاتی پالایشگاه نفت تهران می باشند. (300 نفر) روش نمونه برداری تمام شماری است و برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک (با توجه به نیازهای مطالعه سوالات دموگرافیک طراحی شده است) پرسشنامه هوش هیجانی سبیریاشرینگ

و پرسشنامه استرس شغلی پارکر و دکوتیس استفاده گردید و همچنین برای بررسی رفتار، از یک پرسشنامه رفتاری با 23 سوال که رعایت ایمنی و مشارکت ایمنی را بررسی می کند استفاده شده است و از یک چک لیست رفتاری، که 5 رفتار از رفتارهای با اهمیت صادرکنندگان مجوز کار که در حوادث گذشته تأثیر گذار بوده است مورد سنجش قرار گرفته اند. یافته ها: درصد رفتار ایمن صادرکنندگان مجوز کار 57/40 و میزان استرس و هوش هیجانی آنها به ترتیب 23/2 و 126/3 بوده است. بین هوش هیجانی با درصد رفتار ایمن، با ضریب همبستگی برابر با 161/0 ارتباط معنی دار و همبستگی از نوع مثبت وجود دارد. ($p < 0.05$) بین هوش هیجانی و استرس با ضریب همبستگی برابر با 217/0 - ارتباط از نوع معکوس وجود دارد. ($p < 0.05$) بین درصد رفتار ایمن و استرس با ضریب همبستگی برابر با 017/0 - ارتباط معنی داری وجود ندارد. ($p = 0.085$) نتیجه گیری: در مجموع یافته ها نشان می دهد که صادرکنندگان مجوز کار که هوش هیجانی بالاتری دارند دارای استرس کمتری هستند و رفتار ایمن آنها بیشتر است. کلمات کلیدی: هوش هیجانی، استرس شغلی، رفتار ایمن، مجوز کار، صادرکنندگان مجوز کار

Introduction: One of the systematic applications of psychological research on human behavior is the study of safety issues. Considering the role of emotional intelligence in people's behavior, and prevention of unsafe behavior, this study was conducted to investigate the relationship between emotional intelligence and job stress and safety behavior of permit issuers in Tehran Oil Refinery. **Methods:** The research method is descriptive-analytical-cross-sectional and the statistical population is the issuers of work permits (signatories) in the operational units of the oil refinery. **Demographic Information Questionnaire:** (Designed according to the needs of the study of demographic questions) Golman Emotional Intelligence Questionnaire and Parker and Decotis Job Stress Questionnaire were used and A behavioral questionnaire with 23 questions that assesses safety compliance and safety participation was also used to examine the behavior, and a behavioral checklist that identified 5 important behaviors of work permit issuers that have been effective in past incidents. Have been assessed. **Findings:** The percentage of safety behavior of work permit issuers was 40.57 and their stress and emotional intelligence were 2.23 and 3.126, respectively. There is a significant relationship between emotional intelligence and the percentage of safe behavior with a correlation coefficient of 0.161 and a positive correlation. ($P = 0.019$) There is an inverse correlation between emotional intelligence and stress - 0.217 ($P = 0.001$) There is no significant relationship between the percentage of safety behavior and stress with a correlation coefficient of -0.017 ($P = 0.805$) **Conclusion:** Overall, the findings indicate the high level of emotional intelligence of licensees in this industry and their low level of stress and low percentage of their safe behavior. Also, the correlation coefficient between the components shows that there is a significant and positive relationship between emotional intelligence and the percentage of safe behavior, that is, the higher the emotional intelligence, the higher the percentage of safe behavior. And there is a significant and inverse relationship between emotional intelligence and the amount of stress, that is, the more emotional intelligence, the less stress

چکیده

طراحی و ساخت دستگاه اندازه گیری ظرفیت کار فیزیکی کارگران بر اساس توسعه تست پله چستر با ارتفاع متغیر :
Design and Construction of a Device for Measuring the Physical Work Capacity of Workers Based on the
Development of the Chester Step Test With Variable Height

عنوان اصلی

عنوان اصلی به زبان دیگر

علیرضا عطاریلر :

نام نخستین پدیدآور

شهرام وثوقی :

استاد راهنما

علی اصغر فرشاد :

استاد مشاور

دانشکده بهداشت :

نام مرکز

پایان نامه فارسی :

نوع مدرک

679244 :

شماره رکورد

شماره مدرک	: ۳۱۳۰۰۸۸ پ
زبان مدرک	: فارسی
زبان اثر اصلي	: فارسی
سرشناسه	: پایان نامه نویسنده عطاریلر، علیرضا
صفحه شمار	: ۸۵ص.
مقطع تحصیلی	: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی	: مهندسی بهداشت حرفه‌ای
تاریخ دفاع	: ۱۴۰۱
دانشگاه/ دانشکده	: علوم پزشکی ایران
	: طراحی و ساخت امکانات
	: Facility Design and Construction
	: فعالیت‌های انسان
موضوع	: Human Activities
	: کار
	: Work
	: استاد راهنما وثوقی، شهرام
شناسه افزوده	: ، استاد مشاور فرشاد، علی اصغر

مقدمه: برای سنجش آمادگی قلبی و ریوی افراد و ایجاد تناسب فیزیولوژیک بین کار و کارگر می‌توان از بیشترین ظرفیت هوازی (Vo_{2max}) استفاده کرد. این مطالعه با هدف طراحی و ساخت دستگاه اندازه‌گیری ظرفیت هوازی براساس توسعه آزمون پله چستر با ارتفاع متغیر انجام گرفت و ارزیابی عملکرد و دقت آن در کارکنان پالایشگاه نفت پارس تهران صورت پذیرفت. روش کار: در این مطالعه، 33 مرد شاغل (25 تا 35 سال) داوطلبانه شرکت نمودند. افراد به کمک 3 آزمون تعیین ظرفیت هوازی (تردمیل آستراند، پله چستر و پله توسعه یافته) مورد ارزیابی قرار گرفتند. توسط پرسشنامه‌ای اطلاعات دموگرافیک افراد جمع‌آوری شد. پله‌ای با قابلیت تغییر در ارتفاع طراحی و ساخته شد (پله توسعه یافته). افراد با در نظر گرفتن مقاطع زمانی 48 ساعت آزمون‌های مربوطه را انجام داده و نتایج بدست آمده توسط نرم‌افزار SPSS 24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین ظرفیت هوازی تعیین شده نمونه‌ها توسط آزمون‌های تردمیل آستراند، پله چستر و پیشنهادی به ترتیب $(85/43 \pm 75/4)$ ، $(35/48 \pm 83/5)$ و $(42/46 \pm 99/5)$ میلی‌لیتر بر کیلوگرم بر دقیقه می‌باشد. ضریب همبستگی درون رده‌ای (ICC) بیانگر توافق بالا ($>0.01/OP$) بین آزمون‌ها می‌باشد. شخصی‌سازی آزمون براساس ویژگی آنترپومتریک باعث بهبود در عملکرد شده و می‌توان از آزمون توسعه یافته جهت تخمین ظرفیت هوازی استفاده کرد. نتیجه گیری: همبستگی بالا بین آزمون تردمیل آستراند و توسعه یافته $(929/0)$ نشانگر موثر بودن تغییرات اعمال شده در آزمون پله چستر و توسعه آزمون پله براساس دخالت قد فرد در تعیین ارتفاع پله و استفاده از فرمول جایگزین تعیین حداکثر ضربان قلب مجاز پیش‌بینی شده با سن می‌باشد. کلمات کلیدی: ظرفیت هوازی، تناسب سیستم قلبی و ریوی، میزان استرس ادراکی، حداکثر اکسیژن مصرفی، حداکثر ضربان قلب

چکیده

Introduction: To measure people's cardiorespiratory fitness and create physiological fit between work and worker, maximum aerobic capacity (Vo_{2max}) can be used. This study was carried out with the aim of designing and building an aerobic capacity measuring device based on the development of the Chester step test with variable height and evaluating its performance and accuracy in the employees of Pars Oil Refinery in Tehran. Methods: In this study, 33 working men (25 to 35 years old) voluntarily participated. People were evaluated with the help of 3 aerobic capacity tests (Astrand treadmill, Chester step and Developed step). Demographic information of people was collected by a questionnaire. A step with the ability to change the height was designed and built (developed step). Individuals performed the relevant tests considering the time periods of 48 hours and the obtained results were analyzed by SPSS

چکیده

24 software. Results: The results showed that the average aerobic capacity of the samples was determined by Astrand treadmill, Chester step and suggested tests (43.85 ± 4.75), (48.35 ± 5.83) and (46.42 ± 5.99) milliliters per kilogram per minute respectively. The intraclass correlation coefficient (ICC) indicates a high agreement ($P < 0.001$) between the tests. The personalization of the test based on anthropometric characteristics has improved performance and the developed test can be used to estimate aerobic capacity. Conclusion: The high correlation between Astrand and the developed treadmill test (0.929) indicates the effectiveness of the changes applied in the Chester step test and the development of the step test based on the involvement of a person's height in determining the height of the step and the use of an alternative formula for determining the maximum heart rate allowed according to age. Key words: Aerobic capacity, cardiac and pulmonary system fitness, cognitive stress level, maximum oxygen consumption, maximum heart rate

عنوان اصلي

عنوان اصلي به زبان ديگر

نام نخستين پديدآور

استاد راهنما

استاد مشاور

نام مركز

نوع مدرک

شماره رکورد

شماره مدرک

زبان مدرک

زبان اثر اصلي

سرشناسه

صفحه شمار

مقطع تحصيلي

رشته تحصيلي

تاريخ دفاع

دانشگاه/ دانشکده

موضوع

شناسه افزوده

: بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد کارگران نسبت به حفاظت شنوایی (مطالعه موردی در صنایع چاپ افسست استان تهران)

Knowledge, Attitude and Practice (KAP) Regarding to Hearing Protection (a case study among offset Printing Industry Workers in Tehran Province)

: ژاله صدقی نوش آبادی

: شهرام وثوقی

: ایرج علی محمدی، آغا فاطمه حسینی

: دانشکده بهداشت

: پایان نامه فارسی

: 666478

: ۳۱۳۰۰۶۷ پ

: فارسی

: فارسی

: پایان نامه نویس صدقی نوش آبادی، ژاله

: ۱۲۴ ص.: مصور، جدول.

: کارشناسی ارشد

: مهندسی بهداشت حرفه‌ای

: ۱۳۹۸

: علوم پزشکی ایران

حفاظت و بهداشت کار

Labour Health and Protection

: صنعت چاپ

Printing Industry

افست

: استاد مشاور علی محمدی، ایرج
: استاد مشاور حسینی، آغا فاطمه

ماشین های چاپ یکی از منابع اصلی سطوح بالای صدا هستند. کارگران صنایع چاپ در معرض ابتلا به افت شنوایی ناشی از صدا به دلیل مواجهه شغلی با صدای زیاد قرار دارند. اقدامات کنترل مهندسی مؤثرترین راه برای کنترل صدا در محیط کار است، با این حال اکثر شرکت ها آخرین راهکار یعنی تهیه تجهیزات حفاظت شنوایی را مد نظر قرار می دهند. به منظور اجرای روش های کنترلی مناسب برای کاهش مواجهات شغلی با صدا، ارزیابی آگاهی و عملکرد کارگران نسبت به مواجهه با صدای محیط کار برای طراحی روش های مداخله ای مناسب برای کارگران ضرورت دارد. بنابراین هدف از این مطالعه بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد کارگران نسبت به حفاظت شنوایی (مطالعه موردی در صنایع چاپ افسر استان تهران) بود. این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی در 16 صنعت چاپ افسر استان تهران بین 501 کارگر انجام شد. پرسشنامه محقق ساخته جهت بررسی آگاهی، نگرش، درک ریسک و عملکرد کارگران در این صنایع ایجاد شد. روایی و پایایی پرسشنامه به ترتیب با روش های روایی محتوایی، Test retest و آلفا کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. اندازه گیری میزان مواجهه صدای روزانه هر یک از کارگران با استفاده از دستگاه صدا سنج و با توجه به روش ISO 9612 انجام گرفت. بررسی عملکرد (استفاده از وسایل حفاظت شنوایی) علاوه بر پرسشنامه با استفاده از رفتارسنجی ایمنی انجام شد. ابتلا به افت شنوایی شغلی با توجه به نتایج آخرین ادیومتری انجام شده ثبت گردید. نتایج نشان داد که با افزایش نگرش، عملکرد (استفاده از وسایل حفاظت شنوایی) بهبود یافت ($P < 0.001$). نتایج نشان داد که نگرش مثبت منجر به عملکرد مثبت کارگران در حفاظت شنوایی می شود ($r_s = 0.172$; $P < 0.001$) و با افزایش آگاهی، نگرش منفی کاهش یافته و این رابطه معنی دار بود ($P = 0.014$). بالا رفتن آگاهی، عملکرد مثبت (استفاده از وسایل حفاظت شنوایی) را افزایش نمی دهد ($P = 0.210$) و رابطه خطی معنی داری بین آگاهی و عملکرد وجود نداشت ($r_s = -0.077$; $P = 0.091$). نتایج حاصل از اندازه گیری ها نشان داد که همه کارگران با صدای مساوی و بیشتر از 85 dBA مواجهه داشتند. کارگرانی که افت شنوایی شغلی نداشتند، عملکرد ضعیف تری نسبت به استفاده از وسایل حفاظت شنوایی دارند (3/62%) و این رابطه معنی دار است ($P < 0.001$); یافته های این پژوهش اهمیت توجه به ویژگی های جمعیت شناختی و شغلی و تأثیر آن ها بر روی سطح آگاهی از مواجهه با صدا و حفاظت شنوایی را نشان داد. در این راستا، مدیریت صنایع مورد نظر باید با سیاست گذاری صحیح و مناسب در جهت بهبود وضعیت سطح آگاهی تلاش نماید. نتایج این مطالعه نمایه ای از وضعیت نگرش کارکنان نسبت به صدا و درک ریسک افت شنوایی در صنایع مورد بررسی را ارائه می دهد، که می تواند به عنوان یک شاخص پیشگیرانه برای تدوین خطمشی و ارزیابی عملکرد بهداشت حرفه ای سازمان به کار رود؛ ضمن اینکه ارزیابی آگاهی، نگرش و عملکرد کارگران نسبت به حفاظت شنوایی می تواند به عنوان روشی برای سنجش اثربخشی مداخلات بهداشتی مرتبط با صدا در محیط کار به کار رود.

چکیده

Printing machines are one of the main sources of high levels of noise. Printing industry workers are at risk of hearing loss due to high exposure in their job. Engineering control measures are the most effective ways to noise control in the work environment, however, most companies consider the latest solution that is hearing protection equipment. In order to implement appropriate control measures to reduce occupational exposure to noise, evaluating workers' awareness and practice about exposure to noise are essential for designing appropriate interventions and creating a safe environment for workers. Therefore, the purpose of this study was to examine the workers' knowledge, attitude and practice regarding hearing protection (a case study in offset printing industry of Tehran province). This descriptive-analytic cross-sectional study was carried out among 501 workers in 16 offset printing industries in Tehran province. A researcher-made questionnaire was developed to investigate the knowledge, attitude, risk perception and practice of workers in these industries. Validity and reliability of the questionnaire were assessed by content validity, test retest and Cronbach's alpha, respectively. Measurement of the daily noise exposure of each worker was performed using a sound pressure meter and according to the ISO 9612 method. Data collection of practice (using hearing protection devices) was performed in addition to the questionnaire using safe behavioral measurement method. The incidence of NIHL was recorded according to the results of the last audiometry test for each worker. The results showed that with increasing attitude, practice (use of hearing protection devices) has improved ($P < 0.001$). The results showed that positive attitude led to improved practice of workers in hearing conservation ($r_s = 0.172$; $P < 0.001$) and with increasing knowledge, negative attitude decreased and this relationship was significant ($P = 0.014$). Increasing knowledge did not improve practice (using hearing protection devices) ($P = 0.210$). There was no significant linear correlation between knowledge and practice ($r_s = -0.077$; $P =$

چکیده

0.091). The results of noise measurements showed that all workers had exposed to noise level equal or more than 85 dBA. Workers who did not have hearing impairment had a weaker practice (62.3%) and this relationship was significant ($P < 0.001$). The findings of this study showed the importance of paying attention to demographic and occupational characteristics and their impact on the level of exposure to noise and hearing protection. In this regard, management of the industries concerned should work with proper and appropriate policies to improve the state of knowledge. The results of this study provide an overview of employees' attitudes towards noise and risk perception of hearing loss in industries, which can be used as a preventive indicator for policy formulation and assessment of the organization's occupational health performance, and use it to improve the health and safety of organizations. In addition, the evaluation of workers' knowledge, attitude and practice regarding hearing protection can be used as a method for assessing the effectiveness of noise-related interventions in the workplace.

<p>اولویت بندی و ارزیابی شاخص های کلیدی عملکرد سیستم مدیریت یکپارچه ایمنی ، بهداشت و محیط زیست در یک شرکت خودروسازی (مطالعه موردی ایران خودرو)</p>	<p>عنوان اصلی</p>
<p>Prioritization and Assessment of Key performance Indicators of Integrated Health, Safety and the Environment Management System (Case Study Iran Khodro)</p>	<p>عنوان اصلی به زبان دیگر</p>
<p>محمد حسین چالاک</p>	<p>نام نخستین پدیدآور</p>
<p>شهرام وثوقی</p>	<p>استاد راهنما</p>
<p>رسول یاراحمدی</p>	<p>استاد مشاور</p>
<p>جمیله ابوالقاسمی</p>	<p>استاد مشاور</p>
<p>دانشکده بهداشت</p>	<p>نام مرکز</p>
<p>پایان نامه فارسی</p>	<p>نوع مدرک</p>
<p>667158</p>	<p>شماره رکورد</p>
<p>۳۱۳۰۰۶۹پ</p>	<p>شماره مدرک</p>
<p>فارسی</p>	<p>زبان مدرک</p>
<p>فارسی</p>	<p>زبان اثر اصلی</p>
<p>پایان نامه نویسنده چالاک، محمدحسین</p>	<p>سرشناسه</p>
<p>۱۸۵ص.</p>	<p>صفحه شمار</p>
<p>کارشناسی ارشد</p>	<p>مقطع تحصیلی</p>
<p>مهندسی بهداشت حرفه ای</p>	<p>رشته تحصیلی</p>
<p>۱۳۹۸</p>	<p>تاریخ دفاع</p>
<p>علوم پزشکی ایران</p>	<p>دانشگاه/ دانشکده</p>
<p>مدیریت ایمنی از حوادث</p>	
<p>Safety Management</p>	<p>موضوع</p>
<p>بهداشت محیط زیست</p>	
<p>Environmental Health</p>	

استاد راهنما و ثوقی، شهرام
: استاد مشاور احمدي، رسول
، استاد مشاور ابوالقاسمی، جميله

مقدمه: سازمان‌ها و صنایع مختلف برای ارزیابی و پایش عملکرد سیستم مدیریت بهداشت ایمنی و محیط زیست (HSE) و تعیین اثربخشی عملکرد خود نیاز به طرح‌ریزی و تعیین شاخص‌های سنجش عملکرد دارند. لذا به شاخص‌هایی که بتواند عملکرد را در سطح شرکت و سایت اندازه‌گیری کند، نیاز است. بنابراین این مطالعه با هدف شناسایی، انتخاب و اولویت‌بندی شاخص‌های کلیدی عملکرد HSE برای اجرای یک سیستم ارزشیابی عملکرد در یک صنعت خودرو سازی انجام شده است. روش کار: این مطالعه توصیفی مقطعی در سه مرحله انجام شده است در ابتدا با بررسی مستندات شرکت و مطالعات انجام شده مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی شناسایی و انتخاب شد سپس روایی این شاخص‌ها توسط متخصصین (N=11) بررسی شد سپس شاخص‌ها با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و با توجه به معیارهای SMART اولویت‌بندی شدند. آنگاه تعدادی از شاخص‌ها ارزیابی و همبستگی بین آن‌ها تحلیل شد. یافته‌ها: با دنبال کردن چارچوب مطالعه مجموعه‌ای از ۱۶۸ شاخص عملکردی HSE شناسایی و انتخاب شد که نتایج بررسی روایی محتوی نشان داد که از ۱۶۸ شاخص ۶۷ شاخص از روایی قابل قبولی برخوردار هستند و نتایج اولویت‌بندی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی نشان داد که شاخص‌های درصد اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه بهداشتی انجام شده، تعداد ارزیابی ریسک‌های انجام شده در زمینه ایمنی و درصد برنامه‌های آموزشی اجرا شده بالاترین اولویت را داشتند و از میان شاخص‌های محیط‌زیستی شاخص درصد آب صنعتی تصفیه شده، شاخص درصد بازیافت پسماند‌های ویژه تولیدی، شاخص میزان انتشار کربن منو اکسید، شاخص میزان انتشار کربن منو اکسید به ازای هر خودروی تولیدی، شاخص میزان تولید انرژی‌های تجدیدپذیر و شاخص درصد انطباق خروجی‌های اندازه‌گیری شده با استاندارد ملی کربن منو اکسید بالاترین اولویت را داشتند. همچنین نتایج ارزیابی و بررسی همبستگی بین شاخص‌ها نشان داد که بین شاخص درصد عدم انطباق‌های اصلاح شده و شاخص تعداد ارزیابی ریسک‌های انجام شده رابطه معناداری با تعداد کل جراحات منجر به زمان از دست رفته کاری به عنوان یک شاخص پسر و دارد. نتیجه‌گیری: براساس نتایج بدست آمده با توجه به هدف مطالعه مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی اولیه پیشنهاد شد که به مدیران، متخصصین HSE برای ارزیابی عملکرد در صنایع خودروسازی کمک خواهد کرد همچنین مجموعه‌ای از شاخص‌های عملکردی عملیاتی اختصاصی جهت اجرای یک سیستم ارزشیابی عملکرد موثر برای دستیابی به اهداف و برنامه‌های HSE-MS با ویژگی موثر بودن فعالیت‌ها، در صنعت خودروسازی ایران خودرو بدست آمد. واژگان کلیدی: سیستم مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE-MS)، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPIs)، صنعت خودروسازی

چکیده

چکیده

Title: Prioritization and Assessment of Key performance Indicators of Health, Safety and the Environment Management System (Case Study Iran Khodro) Introduction: Regarding the important role of HSE in the continuous improvement of organizations, the aim of this study was to identify, select, prioritize and assessment key indicators for improvement of HSE-MS in an automotive industry. Methods: This cross-sectional descriptive study was carried out in three stages. First, a review of the company's documentation and studies carried out were done, and a set of key indicators were identified and selected. Then, the validity of the indicators were determined by experts (N = 11). Following that, the indicators were prioritized base on SMART criteria. Finally, a number of indicators were assessed and correlations between them were evaluated. Results: Following the study framework, we collected a set of indicators including 168 HSE indicators. The results of examining their content validity showed that among the 168 primary HSE indicators, 67 indicators had acceptable validity, and a total of 67 indicators were suggested for the purpose of the study by the expert team. Besides, the results of prioritizing showed that the leading indicator such as the percentage of corrective and preventive health actions done, the number of risk assessments performed, The percentage of training programs implemented were the first priorities among health and safety indicator's, the results of prioritizing environmental indicators showed that the indicators such as Percentage of refined industrial water, Percentage of recycled industrial waste, carbon monoxide emissions, Carbon monoxide emission per vehicle, Renewable energy production, Percentage compliance carbon monoxide measured with standard National were the highest priority. The results of examining the relationships between the indicators showed that the percentage of corrected non-compliance and the number of risk assessments had a significant relationships with the total number

of work-related lost time injuries as a lagging indicator. Conclusion: According to the results, a set of primary key indicators was proposed on the basis of the research objective, which would allow managers and HSE experts to select appropriate key indicators in order to assess the performance of the HSE unit based on the industry's status. A set of specific operational performance indicators was also obtained in a car manufacturing company to implement an effective performance evaluation system in order to achieve HSE goals and programs with effective activities. Keywords: Health, Safety and Environment Management System (HSE-MS), Analytical Hierarchy Process (AHP), Key Performance Indicators (KPIs), Automotive Industry

مطالعه اثرات کار مستمر با رایانه بر خستگی ذهنی و خستگی بصری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی تبریز	عنوان اصلی
Study of the effects of continuous work with computer on mental fatigue and visual fatigue of staff of Tabriz University of Medical Sciences	عنوان اصلی به زبان دیگر
: حامد علیزاده	نام نخستین پدیدآور
: شهرام وثوقی	استاد راهنما
: حسین ابراهیمی	استاد مشاور
: سعید موسوی	استاد مشاور
: دانشکده بهداشت	نام مرکز
: پایان نامه فارسی	نوع مدرک
: 668288	شماره رکورد
: ۳۱۳۰۰۷۰ پ	شماره مدرک
: فارسی	زبان مدرک
: فارسی	زبان اثر اصلی
: پایان نامه نویس علیزاده، حامد	سرشناسه
: ۸۱ص.	صفحه شمار
: کارشناسی ارشد	مقطع تحصیلی
: مهندسی بهداشت حرفه‌ای	رشته تحصیلی
: ۱۳۹۸	تاریخ دفاع
: علوم پزشکی ایران	دانشگاه/ دانشکده
کامپیوترها	
Computers	
خستگی	
Fatigue	موضوع
: کارکنان بهداشت و درمان	
Health Personnel	
: استاد راهنما وثوقی، شهرام	
: مشاور طرح ابراهیمی، حسین	
: استاد مشاور موسوی، سعید	شناسه افزوده

چکیده زمینه و هدف: امروزه با پیشرفت علم و فناوری، بیشتر فعالیت های بشر با کمک تکنولوژی های جدید انجام می گیرد. یکی از این تکنولوژی های کاربردی، رایانه می باشد. خستگی چشمی و ذهنی عوامل مهمی در کاهش کارایی، رضایت شغلی و افزایش خطا در محیط های کاری می باشند. دانشگاه ها نقش اساسی را در پیشرفت جامعه داشته و پرسنل آنها از ارکان اصلی هر دانشگاه می باشند. مطالعه حاضر باهدف مطالعه اثرات کار مستمر با رایانه بر خستگی ذهنی و خستگی بصری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گرفت. روش بررسی: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی، 198 کارمند در گروه شغلی و بخش های مختلف انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه شاخص بار کاری NASA-TLX، دستگاه سوسوزن مدل PM-SS22881 جهت اندازه گیری میزان تغییرات خستگی چشمی و دستگاه لوکس متر HAGNER مدل EC1 جهت اندازه گیری شدت روشنایی موضعی در سطح افقی کار طبق استاندارد OEL، مورد استفاده قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آزمون های همبستگی پیرسون، تی مستقل و آنالیز واریانس یکطرفه در سطح معنی داری 0.05 در نرم افزار SPSS نسخه 22 استفاده شد. یافته ها: در مطالعه حاضر شدت روشنایی موضعی 95 درصد از سطوح کار بیشتر از حد الزام کشوری (OEL) و مطلوب بودند. میانگین و انحراف معیار نمره بار کار ذهنی کل 61.11 ± 13.35 (بالتر از حد قابل قبول) و بود و از بین مؤلفه های 6 گانه بار کار ذهنی مؤلفه های عملکرد و نیاز فیزیکی به ترتیب بیشترین و کمترین میزان را به خود اختصاص دادند. همچنین میانگین و انحراف معیار ارزش فلیکر بعد از 0، 40، 80 و 120 دقیقه استفاده از رایانه به ترتیب 39.03 ± 3.13 ، 36.22 ± 2.70 ، 34.44 ± 2.49 و 31.95 ± 2.03 بود که نشان دهنده افزایش خستگی چشمی با گذشت زمان استفاده از رایانه می باشد. نتایج آزمون های آماری نشان دادند که بین خستگی ذهنی و تغییرات خستگی چشمی ارتباط معنی داری وجود نداشت ($P < 0.05$)؛ همچنین از بین مشخصات دموگرافیک سن و جنسیت با میزان تغییرات خستگی چشمی و گروه های شغلی با نمره کل بار کار ذهنی ارتباط معنی داری داشتند ($P < 0.05$)؛ همچنین از بین مشخصات دموگرافیک، سطح تحصیلات با میزان ناکامی، سن با نیاز زمانی و میزان عملکرد و گروه های شغلی با نیاز فیزیکی، نیاز زمانی و میزان ناکامی رابطه معناداری داشتند ($P < 0.05$). نتیجه گیری: با توجه به بالا بودن خستگی ذهنی در اکثر گروه های شغلی و افزایش میزان خستگی چشمی با استفاده مستمر از رایانه در کارمندان، اقدامات سازمانی و ارگونومیک مؤثر جهت ارتقای سلامت و افزایش رضایت کارمندان می تواند مؤثر واقع شود. همچنین با توجه به عدم وجود ارتباط معنادار بین روشنایی و بار کار ذهنی و تغییرات خستگی چشمی پیشنهاد می گردد در مطالعات آینده ارتباط سایر فاکتورها با این متغیرها مورد بررسی قرار گیرند. کلیدواژه ها: ارزش فلیکر، خستگی چشمی، خستگی ذهنی، پرسشنامه NASA TLX، روشنایی، کارمندان، دانشگاه

چکیده

Abstract Introduction: Nowadays, with the advancement of science and technology, most human activities are carried out with the help of new technologies. One of these applied technologies is the computer. Visual and mental fatigue are important factors in reducing performance, job satisfaction and increasing human error in the workplace. Universities play a key role in the development of society and staff are the main pillars of every university. The aim of this study is to survey the effects of continuous work with computer on mental fatigue and visual fatigue in Tabriz University of Medical Sciences staff. Methods and Materials: In this cross-sectional study, 198 employees in different occupational groups and departments were selected and studied. Demographic and NASA-TLX workload Index Questionnaires were used for data collection and flicker fusion device was used to measure amount of visual fatigue changes, the HAGNER EC1 Lux meter was used to measure the local illumination intensity at the horizontal working surface according to the OEL standard. Analysis of data was performed by descriptive statistics, Pearson correlation, independent t-test and Anova in SPSS software (version 22) at significant level of 0.05. Results: In the present study, the local illumination intensity of 95% of the work surface was higher than required illumination intensity of Occupational Exposure Limits (OEL) and desirable. Mean and standard deviation of overall mental workload score was 61.11 ± 13.35 (higher than acceptable level) and Among the 6 subscales of mental workload, the subscale of performance and physical demand were the highest and the lowest, respectively. Also, mean and standard deviation of flicker values after 0, 40, 80 and 120 minutes of computer use were 39.03 ± 3.13 , 36.22 ± 2.70 , 34.44 ± 2.49 and 31.95 ± 2.03 , respectively that indicates an increase in visual fatigue over time when using the computer. The results of statistical tests showed that there was no significant correlation between mental fatigue and visual fatigue changes rate ($P < 0.05$). The level of workplace illumination had no significant effect on visual fatigue and mental

چکیده

($P < 0.05$). There was a significant relationship age and gender with changes in visual fatigue and also occupational groups with total mental workload ($P < 0.05$). among the demographic characteristics, education level with frustration, age with temporal demand and performance, and occupational groups with physical demand ,temporal demand and frustration($P < 0.05$). Conclusion: Due to the high mental fatigue in most occupational groups and the increased rate of visual fatigue with the continued use of computers in employees, effective organizational and ergonomic proceeding are needed to promote health and increase employee satisfaction. Also, due to the lack of significant relationship between lighting and mental workload and changes in visual fatigue, it is recommended to investigate the relationship of other factors with these variables in future studies. Keywords: Flicker value, mental fatigue , visual fatigue, NASA TLX, Illumination, Employees, University

<p>بررسی تاثیر همزمان مواجهه با گرما و استرس پوسچرال بر شاخص استرین شغلی کارگران کارخانه ایران تایر در تهران</p> <p>An Investigating the Simultaneous Effects of heat stress and Postural Stress on Strain Index among a tire manufacturing workers in Tehran</p>	<p>عنوان اصلي</p> <p>عنوان اصلي به زبان ديگر</p>
<p>محمد صمدی گل گلاب :</p> <p>شهرام وثوقی :</p> <p>شهلا ابوالقاسمی :</p> <p>دانشکده بهداشت :</p> <p>پایان نامه فارسی :</p> <p>668479 :</p> <p>۳۱۳۰۰۷۱ پ :</p> <p>فارسی :</p> <p>فارسی :</p> <p>پایان نامه نویس صمدی گل گلاب، محمد :</p> <p>۶۸ص. :</p> <p>کارشناسی ارشد :</p> <p>مهندسی بهداشت حرفه‌ای :</p> <p>۱۳۹۸ :</p> <p>علوم پزشکی ایران :</p> <p>دمای داغ</p> <p>Hot Temperature :</p> <p>تنش</p> <p>Stress</p> <p>استاد راهنما وثوقی، شهرام :</p> <p>، استاد مشاور ابوالقاسمی، شهلا</p> <p>مقدمه: آسیب های اسکلتی عضلانی مرتبط با کار از جمله بزرگترین مشکلات کارگران شاغل در تایر سازی ها می باشد. علاوه بر این قرار گرفتن در معرض استرس حرارتی یکی از ریسک فاکتورهای شناخته شده برای تعدادی از کارگران تایر سازی می باشد که باعث کاهش عملکرد انسانی و</p>	<p>نام نخستین پدیدآور</p> <p>استاد راهنما</p> <p>استاد مشاور</p> <p>نام مرکز</p> <p>نوع مدرک</p> <p>شماره رکورد</p> <p>شماره مدرک</p> <p>زبان مدرک</p> <p>زبان اثر اصلي</p> <p>سرشناسه</p> <p>صفحه شمار</p> <p>مقطع تحصیلی</p> <p>رشته تحصیلی</p> <p>تاریخ دفاع</p> <p>دانشگاه/ دانشکده</p> <p>موضوع</p> <p>شناسه افزوده</p> <p>چکیده</p>

ظرفیت کار و بیشتر شدن بار فیزیکی و روانی در حین انجام کار می شود. لذا هدف از مطالعه حاضر تعیین اثرات همزمان استرس حرارتی و استرس پوسچرال (فشار وضعیتی) بر روی شاخص استرین کارگران شاغل در یک شرکت ساخت تایر بود. روش ها: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی (مقطعی) 147 نفر بر اساس معیارهای ورود و با سابقه کار حداقل یک سال به عنوان نمونه انتخاب شدند. افراد شرکت کننده در مطالعه در سه گروه مواجهه با استرس پوسچرال، مواجهه توأم استرس حرارتی و استرس پوسچرال و کنترل تقسیم بندی شدند. در این تحقیق از پرسشنامه نوردیک، پرسشنامه دموگرافیک، روش مشاهده ای آنالیز پوسچر REBA برای تعیین نمره استرس پوسچرال و شاخص WBGT برای ارزیابی استرس حرارتی کارگران استفاده گردید و تعیین شاخص استرین با نرم افزار JSI 2001 و آنالیزهای آماری توسط نرم افزار SPSS نسخه 16 انجام شد. یافته ها: بیش از 60 درصد کارگران خط تولید شرکت تایر در طول نه ماه گذشته از یکی از اختلالات اسکلتی عضلانی رنج می بردند. میانگین شاخص استرین در گروه اول مواجهه (مواجهه با استرس پوسچرال) و در گروه دوم مواجهه (مواجهه توأم با استرس پوسچرال و استرس حرارتی) به ترتیب $49/29 \pm 80/32$ و $50/33 \pm 61/19$ بود. بر اساس استاندارد شاخص استرین، کلیه افراد در گروه دوم مواجهه و 90% افراد در گروه اول مواجهه در سطح خطرناک قرار داشتند. همچنین با استفاده از آزمون پیرسون ارتباط مستقیم و معنی داری بین نمره شاخص استرین و نمره REBA وجود داشت ($r=646/0r$) در حالیکه، بین شاخص استرین و شاخص WBGT ارتباط معنی داری مشاهده نشد ($P < 0/05$) نتیجه گیری: در کارکنان تایر سازی مورد بررسی سطح شاخص استرین از تقریباً خطرناک تا سطح خطرناک بود و بیشتر آنها اختلالات اسکلتی عضلانی در ناحیه کمر و پشت را گزارش دادند. شاخص استرین با نمره نهایی REBA رابطه معنی دار داشت در حالیکه علی رغم افزایش براساس مواجهه با استرس حرارتی، رابطه معنی داری بین شاخص استرین و شاخص WBGT یافت نشد. واژه های کلیدی: اختلالات اسکلتی عضلانی، شاخص استرین، لاستیک سازی، دمای تر گوی سان، متد REBA

Abstract Introduction: Work-related musculoskeletal disorders are one of the most important health problems among Tire Manufacturing workers in most countries. In addition, exposure to heat stress is one of the well-known risk factors, which causes reducing human performance, work capacity and cause increasing job mental and physical demands at different levels. The aim of this study is to determine the simultaneous effects of heat stress and postural stress on the Strain Index in Tire Manufacturing workers. **Methods and Materials:** This is a descriptive-analytical (cross-sectional) study, which 147 clerk numbers selected based on specific criteria and Work experience of at least one year. Participants divided randomly into three groups including: exposed to postural stress, exposed to heat stress plus postural stress and control group. Collecting tools data were Nordic questionnaire for Work-related musculoskeletal disorders data, demographic questionnaire for gathering demographic information. Rapid Entire Body Assessment (REBA) used to evaluate the postural stress, Wet Bulb Globe Temperature Index (WBGT) used to determine heat stress level and JSI 2001 Robert Walton software used to determine the Strain Index. Statistical analysis was performed using by SPSS software (ver16). **Results:** More than 60% of the workers working in production line suffered from one of musculoskeletal disorders over the past 9 months. In addition, the mean of the Strain Index in the postural stress groups compared to heat stress group, and compared to heat and postural group was, 32.80 and 33.50 respectively, it showed that 100% of the heat and postural expose, and 90% of postural expose are in danger level of Strain Index. Also by using Pearson test, there was a positive and significant relationship between strain Index and REBA scores ($r = 0.664$) and no significance relationship between the strain index and WBGT was found. **Conclusion:** Postural stress among rubber workers can increase the level of strain index to almost dangerous and dangerous levels and Most reported musculoskeletal disorders in the lower back. The Strain index was significantly correlated with the final REBA score. Heat can increase the strain index number, although this increase is not statistically significant. **Key words:** Musculoskeletal Disorders, Strain Index, Rubber Factory, Wet Bulb Globe Temperature, REBA method

چکیده

: بررسی اثر سطح تنش اداری بر بار کار ذهنی و اختلالات اسکلتی عضلانی در کارکنان بخش طراحی یک صنعت خودروسازی

عنوان اصلی

Investigating the Effect of Office Strain Level on Mental Workload and Musculoskeletal Disorders among Design Staff in an Automotive Industry :

عنوان اصلي به زبان ديگر

نام نخستين پديدآور	: محمد احمدي
استاد راهنما	: شهرام وثوقي
استاد مشاور	: حسين ابراهيمي
استاد مشاور	: جميله ابوالقاسمي
نام مركز	: دانشكده بهداشت
نوع مدرک	: پايان نامه فارسي
شماره رگورد	: 670939
شماره مدرک	: ۳۱۳۰۰۷۵ پ
زبان مدرک	: فارسي
زبان اثر اصلي	: فارسي
سرشناسه	: پايان نامه نويس احمدي، محمد
صفحه شمار	: ۱۲۷ص.
مقطع تحصيلي	: کارشناسي ارشد
رشته تحصيلي	: مهندسي بهداشت حرفه‌اي
تاريخ دفاع	: ۱۳۹۸
دانشگاه/ دانشكده	: علوم پزشكي ايران
موضوع	تنش Stress صنعت Industry
شناسه افزوده	: استاد راهنما وثوقي، شهرام : استاد مشاور ابراهيمي، حسين ، استاد مشاور ابوالقاسمي، جميله
چكيده	: عنوان : بررسي شاخص تنش اداري و عوامل مرتبط با آن در طراحان يك صنعت خودروسازيمقدمه : تنش اداري موضوعي است كه نه تنها با اختلالات اسكلتي عضلاني كاركنان بخش طراحي، بلكه با ميزان بهره‌وري آنان نيز رابطه دارد. بنا بر اين، درك عوامل موثر تنش اداري در كاركنان بخش طراحي و روش‌هاي مقابله موثر با آن، ضمن اصلاح ريسك فاكترهاي ارگونومي شغلي در طراحاني كه با رايانه كار مي‌كنند، در بهبود اثربخشي و بهره‌وري نيروي انساني و ارتقاي سطح كيفيت طراحي نقش بسزايي خواهد داشت. لذا مطالعه حاضر با هدف تعيين ميزان تنش اداري و عوامل مرتبط با آن در كاركنان بخش طراحي يك صنعت خودروسازي انجام شد. روش بررسي : در اين مطالعه توصيفي تحليلي 96 نمونه (48 نفر كاربر رايانه بخش طراحي به عنوان گروه مورد و 48 نفر غيركاربر رايانه به عنوان گروه شاهد در صنعت خودروسازي مورد بررسي) بصورت نمونه‌گيري تصادفي انتخاب شدند. به منظور ارزيابي ميزان شيوع اختلالات اسكلتي عضلاني از پرسشنامه ناراحتي‌هاي اسكلتي كارنل (CMDQ) و براي تعيين سطح ريسك فاكترهاي ارگونومي ناشي از كار با رايانه از روش ارزيابي سريع تنش اداري (ROSA) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماري SPSS (نسخه 22) مورد تجزيه و تحليل قرار گرفت. يافته‌ها : سطح تنش اداري در گروه كاربران رايانه بخش طراحي، بيشتر از گروه شاهد و ميانگين نمره ROSA در اين گروه بالاتر از 5 تعيين شد (P<0.05). بر اساس طبقه‌بندي نمره ROSA، در گروه مورد 5/37% در ناحيه ضرورت انجام مداخله ارگونوميكي (ريسك بالا) قرار داشتند. همچنين بين ميانگين نمرات ناراحتي‌هاي اسكلتي عضلاني

پرسشنامه کرنل و زیرمolfه‌های آن در دو گروه مورد و شاهد، اختلاف معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). یافته‌ها نشان داد بین سطح تنش اداری و اختلالات اسکلتی عضلانی در طراحان صنعت خودروسازی رابطه معنادار و مثبت وجود داشت ($P < 0.05$). نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج حاصل از روش ROSA، صندلی موثرترین عامل در افزایش سطح تنش اداری پرسنل می‌باشد. همچنین مدت زمان کار با رایانه مستقیماً با سطح تنش اداری و در نتیجه بروز اختلالات اسکلتی عضلانی ارتباط دارد. بیشترین شکایات مرتبط با اختلالات اسکلتی عضلانی در گروه طراحان به ترتیب در اندام‌های تحتانی پشت، گردن و فوقانی پشت بدست آمد. ارزیابی سریع تنش اداری یکی از روش‌های اختصاصی شناسایی ریسک فاکتورهای ارگونومی در محیط اداری بوده که می‌تواند برای ارزیابی‌های قبل از کنترل در بین طراحانی که با رایانه کار می‌کنند به کار گرفته شود و از نتایج این ارزیابی می‌توان برای اعمال کنترل مهندسی و نیز کنترل مدیریتی پرسنل استفاده نمود و با جایگزینی ابزار کار مناسب بجای وسایل و تجهیزات اداری موجود نسبت به کاهش اختلالات اسکلتی عضلانی در بین طراحان گام‌های موثری برداشت. واژه‌های کلیدی: رایانه، روش ارزیابی سریع تنش اداری، پرسشنامه ناراحتی‌های اسکلتی عضلانی کرنل، کارکنان طراحی، صنعت خودروسازی

Title : Investigating the Office Strain Index and Related Factors among Design Staff in an Automotive Industry. Background and objective: Office strain is a subject that is related not only to the musculoskeletal disorders of the design staff, but also to their productivity rate. Therefore, understanding the effective factors of office strain in design staff and effective coping methods with it, while modifying occupational ergonomic risk factors of designers who work with computers, will play an important role in improving effectiveness and productivity of human resources and design quality level. The purpose of this study was to determine the office strain level and its related factors in the design staff of an automotive industry. Methods: In this descriptive-analytical study, 96 subjects (48 computer users in the design department as cases and 48 non-computer users as controls in the target automotive industry) were selected by random sampling. Cornell Musculoskeletal Discomfort Questionnaire (CMDQ) was used to assess the prevalence of musculoskeletal disorders, and Rapid Office Strain Assessment (ROSA) method used to determine the level of ergonomic risk factors due to working with computer. Data were analyzed using SPSS software (version 22). Results: The level of office strain was higher in the computer users of design department group than the control group and the mean ROSA score was higher than 5 in this group ($P < 0.05$). According to ROSA score classification, 37.5% of the case group were in the area of ergonomic intervention (high risk). There was also a significant difference between the mean scores of the musculoskeletal discomforts obtained from cornell questionnaire and its sub-components in the case and control groups ($P < 0.05$). The results showed that there was a significant and positive relationship between the level of office strain and musculoskeletal disorders in the automotive industry designers ($P < 0.05$). Conclusion: According to the results of ROSA method, chair is the most effective factor in increasing the level of office strain among staff. Also, working time with computer is directly related to the level of office strain resulting in musculoskeletal disorders. The most common complaints related to musculoskeletal disorders in designers group were in the lower back, neck and upper back, respectively. Rapid office strain assessment is one of the proprietary methods for identifying ergonomic risk factors in the office environment which can be used for pre-control assessments among designers who working with computers and the results of this assessment can be applied to engineering control and management control in design staff. Also, effective steps can be taken by replacing existing office tools and equipment with the appropriate working tools to reduce musculoskeletal disorders among design staff. Keywords: Computer, Rapid Office Strain Assessment, Cornell Musculoskeletal Discomfort Questionnaires, Design Staff, Automotive Industry

چکیده